

فضیلت و سیاست



سروش دباغ

۱- چندی پیش یادداشت نیکوی آقای عباس عبدی را درباره نسبت سیاست و ساده زیستی در روزنامه اعتماد ملی خواندم. آن یادداشت بهانه‌ی شد برای نوشتن سطور پیش رو.

یکی از دل‌مشغولی‌های عموم کسانی که مسائل سیاسی را دنبال می‌کنند، ربط و نسبت میان سیاست و ساده‌زیستی سیاستمداران است. می‌توان این پرسش خود را در سطح کلان‌تر این‌گونه صورت‌بندی کرد: چه نسبتی میان فضائل اخلاقی و امر سیاسی برقرار است؟ به تعبیر دیگر، آیا لزومی دارد کنشگر سیاسی به لحاظ اخلاقی فردی فضیلت‌مند باشد و آراسته به فضایی نظیر صبوری، شجاعت، مهربانی، ساده‌زیستی و... اگر سیاستمداری مثل سارکوزی فاقد فضیلت «صبوری»، «شجاعت» و «ایثار» باشد، آیا اخلاقاً مستحق‌دم است؟ آیا می‌توان سیاستمدار شایسته‌ی را سراغ گرفت که فردی فضیلت‌مند نباشد؟

۲- برای پاسخ دادن به پرسش فوق، ذکر نکاتی چند ضروری است. در اخلاق هنجاری معاصر، می‌توان سه نحله مهم نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی را از یکدیگر بازشناخت. نتیجه‌گرایان بر این رایند که برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه باید در آثار و نتایج مترتب بر افعال به دیده عنایت نگریست. به عنوان مثال، اگر من قول داده‌ام در مهمانی امشب شما شرکت کنم و همزمان مادر من دچار بیماری قلبی شود، من باید بین شرکت در مهمانی امشب شما و نزد مادر ماندن یکی را انتخاب کنم. اگر در مهمانی شرکت نکنم اخلاقاً خلف وعده کرده‌ام که کار ناموجهی است. در عین حال اگر مادرم را ترک کنم، بی‌اعتنایی به والدین و قدرناشناسی پیشه کرده‌ام که آن نیز اخلاقاً کار نادرستی است. نتیجه‌گرایان می‌گویند با محاسبه میزان فایده و الم حاصله از هر یک از شقوق مطرح شده می‌توان به کنش اخلاقی موجه رسید: کاری از نظر اخلاقی موجه است که بیشترین فایده و کمترین رنج و الم را به همراه داشته باشد. در مقابل، وظیفه‌گرایان بر این باورند که کنش اخلاقی موجه کنشی است که قطع نظر از آثار و نتایج ترتیب بر افعال انجام می‌شود؛ کنشی که در تناسب و تلائم با اصول و فرامین عقل عملی است (به عنوان مثال، اصل جهانشمولی‌پذیری و اصل غایت بودن انسان). کانت فیلسوف مشهور آلمانی، نمونه‌ی از یک وظیفه‌گرای کلاسیک است. مطابق با رای او، در سیاق اخلاقی یادشده، عمل به وظیفه اخلاقی عقلانی که از اصول جهانشمول و تخطی‌ناپذیر مستفاد می‌شود، موجه است و انجام دادنی. فضیلت‌گرایان برخلاف نتیجه‌گرایان و وظیفه‌گرایان، رسیدن به داوری اخلاقی موجه را منوط به به کار بستن اصولی چند نمی‌دانند بلکه معتقدند غایت قصوا در وادی اخلاقی تربیت کنشگر فضیلت‌مند است؛ کنشگری که فضایی نظیر بردباری، مهربانی، بخشندگی، گذشت و... در او نهادینه شده است. هر قضاوتی که از انسان فضیلت‌مند صادر شود موجه است و برگزینی. انسان فضیلت‌مند و داوری‌های او در اینجا محوریت تمام دارد. در سیاق اخلاقی یادشده نیز انسان فضیلت‌مند تشخیص می‌دهد شخص باید به مهمانی رود یا با مادر خویش سر برد. علاوه بر این، آن‌گونه که جامعه‌شناسان اخلاقی می‌گویند، هرم پراکندگی کنشگران اخلاقی در اکثر جوامع به این قرار است: اکثریت کنشگران اخلاقی که قاعده‌هرم را تشکیل می‌دهند، مناسبات و روابط خویش را بر اساس نظریه نتیجه‌گرایی تنظیم می‌کنند. تعداد کمتری از کنشگران که میانه‌هرم را می‌سازند، از نظریه وظیفه‌گرایی مدد می‌گیرند و تعداد خیلی کمی از کنشگران که در راس قرار دارند، وفق نظریه فضیلت‌گرایی عمل می‌کنند. ادامه در صفحه ۲

گفت‌وگو با فریدون مجلسی جهانی‌شدن و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها

آنچه پیش رو دارید گفت‌وگویی است که با فریدون مجلسی (مترجم و پژوهشگر) انجام داده‌ام. وی که ترجمه کتاب هویت و خشونت نوشته آمارتیا سن اندیشمند مشهور و استاد دانشگاه هاروارد را نیز بر عهده داشته در این گفت‌وگو به موضوع برخورد تمدن‌ها و نقد اندیشه‌های ساموئل هانتینگتون از دیدگاه آمارتیا سن اشاره ... ادامه در صفحه ۱۴

گفت‌وگو با مرتضی الویری دست ما را بسته‌اند

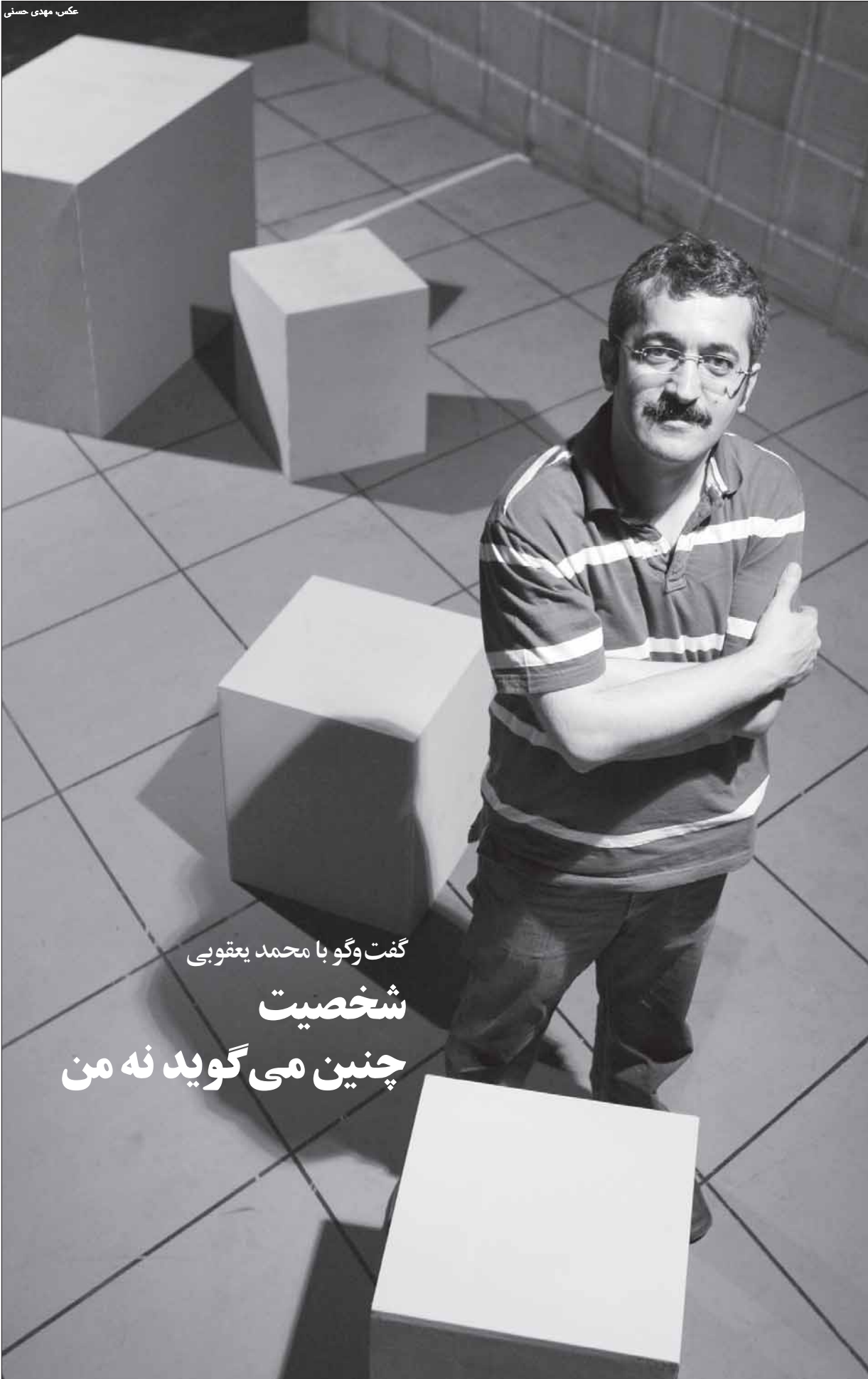
پس از بلندشدن اعتراض به نتایج انتخابات، گروهی از شهروندان کمنام که فعالیت سیاسی مستمر نداشتند دستگیر و روانه بازداشتگاه‌ها شدند. بلاکلیفی بازداشت‌شدگان و خسارت دیدگان از وقایع پس از انتخابات رهبران جریان اصلاح طلب را واداشت با تشکیل کمیته‌ی وضعیت این شهروندان را پیگیری کنند. مرتضی الویری ... ادامه در صفحه ۴

یادداشتی از بهمن کشاورز پنبه‌یی که سر نمی‌برد

۱- تنها موردی که در قانون مجازات اسلامی از کلمه کودتا استفاده شده ماده ۱۸۸ قانون مذکور است: «هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حماسی حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی موثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است.» ادامه در صفحه ۵



عکس: مهدی حسینی



گفت‌وگو با محمد یعقوبی
شخصیت
چنین می‌گوید نه من